

## بررسی ابزارهای سیاست پولی متعارف در بانکداری بدون ربا\*

□ سید عباس موسویان \*\*

□ عبدالله انصاری \*\*\*

### چکیده

سیاست پولی مجموعه تدابیری است که بانک مرکزی به منظور کنترل نظام پولی و حفظ ثبات ارزش پول، جهت تسريع رشد اقتصادی، تنظیم فعالیت بخش‌های مختلف اقتصادی و حل مسائل در جامعه اتخاذ می‌کند. بدینهی است که اجرای خردمندانه سیاست پولی برای رسیدن به اهداف سیاست پولی تنها از مسیر ابزارهای آن میسر بوده و نیازمند ژرف‌نگری در سطح و عمق است. در بانکداری متعارف، برای دستیابی به اهداف اقتصادی به اجرای سیاست پولی از طریق ابزارهای کمی و کنترل کیفی اعتبارات بهره گرفته می‌شود. با توجه به ممنوعیت ربا در اسلام و الغای کارکرد آن در نظام بانکداری بدون ربا و حرمت به کارگیری ابزار مبتنی بر ربا، تحقیق حاضر در نظر دارد ضمن نقد و بررسی ابزارهای پیش‌گفته، امکان‌سنگی کاربرد آن‌ها را در بانکداری بدون ربا به عنوان متغیرهای سیاست اقتصادی در چارچوب فقه اسلامی، جهت کنترل و نظارت میزان نقدینگی و تنظیم حجم پول پرقدرت ارزیابی کند.

**کلیدواژه‌ها:** سیاست اقتصادی، ابزارهای سیاست پولی، بانکداری متعارف، بانکداری بدون ربا، ماهیت فقهی، و بازار بورس.

\*. تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۶/۸؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۸/۱۰.

\*\*. دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (Samosavian@yahoo.com).

\*\*\*. کارشناس ارشد فقه اقتصادی (نویسنده مسئول) (Aansari1355@yahoo.com).

## مقدمه

امروزه نظام بانکی خدمات ارزنده و قابل توجه مورد نیازی به جامعه بشری به منظور تسهیل مبادلات، تجهیز پس اندازهای راکد مردمی و هدایت آنها به سرمایه‌گذاری مفید و مولد، و اجرای سیاست‌های پولی مناسب، ارائه می‌دهد. بانک مرکزی از رهگذار مطالعه وضعیت اقتصادی، متناسب با شرایط موجود در کشور اقدام به اجرای سیاست‌های پولی می‌نماید و با انتخاب سیاست‌های سنجیده به بهره‌گیری از ابزارهای مهم و پیچیده اقتصادی می‌پردازد. بانکداری ربوی در پرتو قرن‌ها تجربه توانسته است بانک‌های مرکزی را به ابزارهای مؤثر و کارآمد در عرصه سیاست‌گذاری پولی مجهز نماید و هرگونه تغییر در نرخ بهره از رهگذار تغییرات نرخ تنزیل مجدد و یا خریدوفروش بازار باز از سوی بانک مرکزی، بر نرخ بهره بانک‌ها و نرخ بهره بازار تأثیرگذار خواهد بود و در نتیجه تغییر در نقدینگی بخش خصوصی، حجم اعتبارات و جریانات ارزی را در پی خواهد داشت. اعمال سیاست پولی از رهگذار تغییرات در نرخ بهره از رهگذار ابزارهای سیاست پولی در سطح عمومی قیمت‌ها، میزان سرمایه‌گذاری، میزان تولید، اشتغال، هزینه‌ تمام شده کالاهای خدمات، آسانسازی مبادلات بازرگانی، اشتغال و تعادل موازنۀ پرداخت‌های ارزی تأثیر شگرفی دارد.

از آنجا که ماهیت حقوقی اغلب ابزارهای سیاست پولی بر نظام بهره و ربا استوار است، در نظام اقتصادی اسلامی جایگاهی ندارد. با وجود چنین مشکلی، دانشمندان اسلامی در صدد طراحی نظام بانکی بدون ربا برآمدند. در تحول نظام بانکی از سیستم ربوی به بانکداری بدون ربا این پرسش پدید می‌آید که ابزارهای اقتصادی چه جایگاهی در سیستم بانکی بدون ربا خواهد داشت. تحقیق حاضر در نظر دارد به بررسی جایگاه و کاربرد این ابزارها در نظام اقتصادی اسلام پردازد.

## تعريف سیاست پولی

سیاست پولی را می‌توان تلاشی در جهت کنترل حجم پول یا نرخ بهره با استفاده از ابزارهای آن جهت تحقق اهداف اقتصادی دانست. پس باید گفت، سیاست پولی مجموعه اقداماتی

است که مقامات پولی (بانک مرکزی) به منظور کنترل فعالیت‌های اقتصادی جامعه به کار می‌گیرند ( مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، پول و بانکداری ۱۳۸۰: ۲۳۳؛ کمیجانی، سیاست‌های پولی مناسب ۱۳۷۲: ۳). با اعمال سیاست پولی مقامات پولی از طریق تغییرات عرضه پول و تغییر در انتظارات مردم درباره نرخ بهره، سطح کلیه فعالیت‌های اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

### اهمیت سیاست پولی

با رواج پول در مبادلات اقتصادی، ضرورت سیاست‌گذاری پولی نمایان گردید. پیدایش صنعت بانکداری نوین و توان بالایی که بانک‌ها در ایجاد پول اعتباری و بانکی از خود نشان دادند، لزوم برنامه‌ریزی پولی یا سیاست‌گذاری در زمینه پول را به طور روز افزون سبب گردید. از آنجا که عدم تناسب حجم نقدینگی با حجم کالاهای و خدمات، باعث رکود یا تورم و نیز دیگر مشکلات می‌شود، تنظیم حجم نقدینگی از اهمیت فراوان برخوردار است ( فراهانی فرد، سیاست‌های پولی در بانکداری بدون ربا ۱۳۷۸: ۴۸ ). بنابراین، ضروری است از یک سو عرضه پول و از دیگر سو با تغییرات نرخ بهره، تقاضای پول ضابطه‌مند و مدیریت شود تا گرفتار آثار سوء افزایش بی‌رویه نقدینگی نشویم و نیز جامعه دچار رکود ناشی از کمبود نقدینگی نباشد ( مجتبه و حسن‌زاده، پول و بانکداری و نهادهای مالی ۱۳۸۷: ۳۱۴ ).

### اهداف و ابزارهای سیاست پولی

بانک‌های مرکزی برای دستیابی به اهدافی در سطوح مقدماتی، میانی و نهایی چون بهبود رشد اقتصادی، پایداری اقتصاد، حفظ ثبات نسبی قیمت‌ها، ایجاد اشتغال و کاهش میزان بیکاری ( توتونچیان، همان: ۳۴۲؛ گلریز و ماجدی، پول و بانک از نظریه تا سیاست‌گذاری ۱۳۶۷: ۲۴۲ ) ابزارهای مختلفی را در اختیار دارند که با استفاده از این ابزارها ( کمی و کیفی )، تغییراتی را در پایه پولی و یا تغییر در ضریب فزاينده پولی، حجم پول و متغیرهای اقتصادی ایجاد می‌کنند ( موسویان، بانکداری اسلامی ۱۳۸۶: ۴۴ ).

## ابزارهای سیاست پولی

معمولاً در تمامی کشورهای جهان مسئولیت اجرای سیاست‌های پولی، بر عهده بانک‌های مرکزی است. بنابراین، بانک‌های مرکزی برای دستیابی به اهداف اقتصادی، ابزارهای مختلفی را در اختیار دارند.

بانک‌های مرکزی با استفاده از مجموعه ابزارهای موجود که در قالب دو گروه ابزارهای کمی و کیفی مطرح می‌شوند، تغییراتی را در پایه پولی و یا تغییر در ضریب فزاینده پولی، حجم پول و به تبع آن متغیرهای اقتصادی برای رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده، ایجاد می‌کنند (موسیان، بانکداری اسلامی ۱۳۸۶: ۴۴). مهم‌ترین ابزارهایی که امروزه مورد استفاده قرار می‌گیرند، عبارت‌اند از:

### ۱. ابزارهای کمی سیاست‌های پولی

ابزارهای کمی به ابزارهایی گفته می‌شود که می‌توانند حجم پول را در اقتصاد تغییر دهند. این ابزارها جنبه عمومی دارند و در اکثر کشورهای جهان مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند که به شرح ذیل به آن اشاره می‌شود.

#### الف. نرخ ذخیره قانونی

بر اساس قانون بانکی هر کشوری، بانک‌ها و مؤسسات سپرده‌پذیر موظف‌اند در صدی (مثلاً پنج درصد) از سپرده‌های دیداری و غیر دیداری را به عنوان سپرده‌های قانونی نزد بانک مرکزی به وديعه گذارند. این ابزار، به جهت تأمین امنیت سپرده‌های مردم در نزد بانک‌ها و تأثیر سریع تغییر در نرخ ذخیره قانونی بر حجم اعتبارات اعطایی سیستم بانکی به بخش خصوصی، از اهم‌های مهم اجرای سیاست پولی، به منظور کنترل حجم تسهیلات اعتباری تلقی می‌گردد (کمیجانی، همان ۱۳۷۷: ۷).

اعمال سیاست پولی انساطی به منظور کاهش نرخ ذخیره قانونی بانک‌های تجاری، باعث افزایش ضریب فزاینده پولی و در نتیجه حجم پول در جریان می‌شود، زیرا با کاسته شدن نرخ ذخیره قانونی، میزان بیشتری از سپرده‌های بانکی اشخاص جهت وامدهی در

اختیار بانک‌های تجاری قرار می‌گیرد و نیز با استفاده از افزایش نقدینگی ناشی از این سیاست عرضه وام را افزایش می‌دهند که به کاهش نرخ بهره و افزایش حجم اعتبارات و پول دفتری منتهی می‌شود.

در این حال، بانک‌های تجاری سهمی از افزایش نقدینگی ناشی از سیاست کاهش ذخیره قانونی را صرف خرید اوراق بهادر از بازار می‌کنند که افزایش تقاضا در بورس اوراق بهادر، افزایش ارزش اوراق و کاهش نرخ بازدهی مؤثر آن‌ها را در پی دارد. با چنین تحولی در بورس اوراق بهادر، بانک‌ها می‌توانند با نرخ ارزانتری از طریق بازار منابع مالی جهت اعطای وام اقدام کنند که به تقویت سیاست پولی انساطی اعمال شده توسط بانک مرکزی می‌انجامد (بک و دیگران، علم اقتصاد کلان، تیزهوش ۱۳۸۵/۲: ۱۰۳۶).

چنانچه بانک مرکزی همراه با اعمال سیاست پولی، کاهش ذخیره قانونی، از نرخ بهره اعطای وام به بانک‌های مرکزی نکاهد، امکان دارد بانک‌ها قسمتی از افزایش نقدینگی حاصل از سیاست پولی را صرف بازپرداخت بدھی‌های گذشته به بانک مرکزی نمایند و از این طریق تا حدی سیاست پولی انساطی خنثی شود.

### ب. تغییر نرخ تنزیل مجدد

بانک‌های تجاری به منظور رفع نیازهای نقدینگی خود در کوتاه‌مدت می‌توانند اوراق و اسناد بهادر موجود خود را با نرخ بهره مشخص به بانک مرکزی ارائه و تنزیل نمایند (آریا، سیاست‌پولی و ارزی اولویت‌ها و گرایش‌ها ۱۳۸۶: ۱۳۱). نرخ اعلام شده توسط بانک مرکزی منحصر به شرایط عرضه اسناد و تقاضای نقدینگی نیست، بلکه بانک مرکزی با تغییر نرخ، بر ذخایر سیستم بانکی و قدرت اعتباردهی آن‌ها اثر می‌گذارد (فراهانی، همان: ۷۳). روشن است که اثر استفاده از تغییر در نرخ تنزیل مجدد، بستگی به تمایل و خواست بانک‌ها به استفاده کمتر یا بیشتر از منابع بانک مرکزی دارد. یعنی تقاضای وام بانک‌ها تنها به نرخ اعلام شده از سوی بانک مرکزی منوط نیست، بلکه عوامل دیگری چون تقاضای وام سودآور از ناحیه مشتریان، ذخایر آزاد بانک‌ها و پذیرش ریسک نسبت به نیاز به ذخایر مازاد دخالت دارد. عملیات نرخ تنزیل مجدد از سوی بانک مرکزی، عرضه پول توسط بانک‌ها را تا

حدودی کنترل خواهد کرد (تفضلی، اقتصاد کلان: نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصادی: ۴۳۳؛ بک و دیگران، همان: ۱۰۳۶).

### ج. تغییر عملیات بازار باز

این عملیات خریدوفروش اوراق قرضه دولتی از سوی بانک مرکزی را در بر دارد. خرید و فروش اوراق قرضه و اوراق بهادر دولتی توسط بانک مرکزی در کشورهایی که بازار پولی توسعه یافته‌ای دارند، یکی از فعل ترین و مؤثرترین مکانیزم‌های کنترل حجم پول و اعمال سیاست‌های پولی توسط بانک مرکزی است. عملیات بازار باز عبارت است از دخالت مقامات پولی در بازار اوراق قرضه و بهادر دولتی، به منظور تنظیم حجم پول در گردش، به گونه‌ای که متناسب با نیازهای اقتصادی باشد (دادگر و رحمانی، مبانی و اصول علم اقتصاد ۱۳۸۶: ۳۲۲). این نوع اوراق معمولاً بلندمدت هستند و دارای نرخ بهره ثابت نسبت به ارزش اسمی شان می‌باشند.

عامل عملیاتی اعمال سیاست پولی از طریق عملیات بازار آزاد معمولاً با تعیین و تغییر میزان کمی خریدوفروش این اوراق در بازار از طرف بانک مرکزی برای اجرای سیاست پولی همراه است؛ به این ترتیب که با در پیش گرفتن سیاست انساطی، اوراق بهادر بیشتری خریداری می‌کند، تا حجم پول در گردش را افزایش دهد و در جهت سیاست پولی انقباضی اوراق بهادر بیشتری به فروش رساند، تا از حجم پول در گردش کاسته شود.

### د. کنترل مستقیم

کنترل مستقیم به عنوان ابزار سیاست پولی هنگامی مورد استفاده قرار می‌گیرد که دیگر روش‌های موجود برای جلوگیری از گسترش اعتبارات، از سرعت لازم و کارایی کافی برخوردار نباشد (موسویان همان: ۱۵۹) که به دو صورت تعیین حدود اعتباری و تعیین حداکثر نرخ بهره پرداختی به سپرده‌ها، مورد استفاده قرار می‌گیرد. استفاده از حدود معجاز اعتباری در کشورهای در حال توسعه به طور معمول با تعیین اولویت خاص اعتباری برای بخش‌های تولید همراه است.

## ۲. ابزارهای کیفی سیاست‌های پولی

به سیاست پولی بر اساس ابزارهای کیفی، سیاست‌های ترجیحی پولی گفته می‌شود که با دخالت مستقیم مقامات پولی تنها در شرایط خاصی و یا بحران‌های شدید اقتصادی صورت می‌پذیرد (همان).

### الف. تعیین اولویت‌ها و سقف اعتبار بخش‌های اقتصادی

بانک مرکزی با توجه به بررسی‌هایی که در مورد بخش‌های اقتصادی به عمل می‌آورد، شرایط اقتصادی هر بخش را می‌تواند تعیین نماید. از این‌رو، با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی موجود، اولویت‌هایی را در مورد نحوه وام‌های پرداختی تعیین و به بانک‌ها ابلاغ می‌نماید. همچنین بانک مرکزی می‌تواند با تعیین سقف اعتبار یا میزان حداقل مبلغ وام‌های پرداختی و یا تعیین نرخ رشد وام‌ها در بخش‌های مختلف، بانک‌ها را در زمینهٔ پرداخت وام به طور مشخص محدود نماید.

### ب. ترغیب اخلاقی

بانک مرکزی با استفاده از بخشنامه‌ها و اطلاعیه‌ها، شرایط و اوضاع اقتصادی کشور را از دیدگاه پولی و بانکی به اطلاع بانک‌ها می‌رساند و در این اطلاعیه‌ها با تحلیل وضعیت بخش‌های مختلف اقتصادی، بانک‌ها را ترغیب می‌کند که رعایت احتیاط‌های لازم را در مورد پرداخت اعتبارات بنمایند. این بخشنامه‌ها و اطلاعیه‌ها که جنبهٔ الزام‌آور برای بانک‌ها ندارد، ترغیب اخلاقی نامیده می‌شوند.

### ج. تعیین شرایط وام‌های اقساطی و رهنی

در کشورهای صنعتی، بیشتر خرید کالاهای با دوام، نظیر اتومبیل، خانه، ... ارتباط بسیاری به میزان تأمین مالی خرید این کالاهای توسط بانک‌ها دارد و بدون کمک بانک‌ها و مؤسسات مالی، تقاضا برای این کالاهای مسلم‌آمده بود (کمیجانی، همان ۱۳۷۲: ۳۰). بنابراین، بانک مرکزی از طریق تعیین شرایط پرداخت وام‌های اقساطی می‌تواند به مقدار زیادی در

تقاضای خرید این نوع کالاها مؤثر بوده و رونق یا کسادی اقتصادی؛ تحت تأثیر وام‌های اقساطی و رهنی و تعیین مبلغ پرداخت نقدی و نیز مدت بازپرداخت وام، می‌تواند تقاضا برای کالاها بادوام افزایش یا کاهش دهد.

#### د. وجود نرخ‌های ترجیحی

نرخ‌های ترجیحی در مورد پرداخت وام، شرایط مربوط به ضمانت‌نامه‌ها و شرایط دیگری که درباره اعطای وام یا نحوه وام بخش‌های اقتصادی وجود دارد، باعث می‌گردد حجم وام‌ها در بخش‌های مختلف اقتصادی تحت تأثیر قرار گیرد و به این ترتیب بانک مرکزی بخش‌های مختلف اقتصادی را درجه‌بندی نموده و پرداخت وام از طرف بانک‌ها را تسهیل یا محدود می‌نماید (همان).

#### بررسی فقهی جایگاه و فعالیت‌های بانک مرکزی

بحث فقهی فعالیت‌های بانک مرکزی در دو مرحله انجام می‌گیرد:

##### ۱. جواز نظارت، کنترل و هدایت نظام بانکی توسط بانک مرکزی

از نظر اسلام، انسان‌ها در فعالیت‌های اقتصادی هیچ محدودیتی ندارند و فرد در انتخاب شغل و کیفیت فعالیت آزاد می‌باشد و برای رعایت حقوق جامعه و افراد، به دولت حق داده شده تا بر تمام فعالیت‌های اقتصادی دولتی و خصوصی نظارت داشته باشد (موسویان، کلیات نظام اقتصادی اسلام ۱۳۸۰: ۷۹). از این‌رو، تمام نهادها، سازمان‌ها و مؤسسات اجتماعی و اقتصادی موظف‌اند ساختار اجرایی و مدیریتی خود را به گونه‌ای طراحی کنند که قابلیت نظارت و هدایت آن‌ها از طرف دولت بر اساس مصالح اسلام و مسلمانان فراهم باشد. بنابراین، بانک مرکزی، به عنوان نماینده دولت، بر فعالیت‌های نظام پولی با تصویب قوانین، فعالیت‌های بانک تجاری، مؤسسه‌های مالی اعتباری و سایر مؤسسه‌های پولی اعتباری حق کنترل و هدایت دارد.

## ۲. جواز فقهی فعالیت‌های بانک مرکزی

فعالیت‌های بانک مرکزی به دو گروه تقسیم می‌شود. گروه اول، فعالیت مربوط به دولت است، مانند انتشار اسکناس و مسکوکات، صندوقداری دولت و حفظ ذخایر طلا و ارز کشور. در این موارد، جواز چنین فعالیت‌هایی تابع مشروعیت خود دولت است. اگر دولت از جهت شرعی و قانونی مشروع باشد، بانک مرکزی و فعالیت‌های مذکور نیز مشروع و قانونی خواهد بود. گروه دوم در راستای بانک‌های تجاری و مؤسسه‌های مالی اعتباری است. در این قسمت به بررسی فقهی آن فعالیت‌ها می‌پردازیم.

### الف. ماهیت فقهی سپرده قانونی

چنانچه بیان شد طبق قانون، بانک‌های تجاری موظف‌اند نسبتی از سپرده‌های مردم را به عنوان سپرده قانونی نزد بانک مرکزی نگهداری کنند و نیز بانک مرکزی می‌تواند طبق مصالح اقتصادی نرخ ذخیره قانونی را افزایش یا کاهش دهد. در نتیجه حجم سپرده قانونی و به تبع آن منابع آزاد بانک‌ها تعییر می‌کند. برای مثال، اگر نرخ ذخیره قانونی ده درصد باشد، بانک‌های تجاری موظف به نگهداری ده درصد از سپرده‌ها نزد بانک مرکزی بوده و با نود درصد سپرده‌ها فعالیت بانکی خواهند داشت و اگر نرخ ذخیره قانونی به بیست و پنج درصد افزایش یابد، سپرده قانونی به آن اندازه افزایش یافته و ذخایر آزاد بانک‌ها برای فعالیت تنها هفتاد و پنج درصد خواهد بود.

حال سؤال این است که ماهیت فقهی سپرده قانونی چیست. یکی از شرایط صحت معامله اختیار است. آیا بانک مرکزی می‌تواند بانک‌های تجاری را موظف به چنین سپرده‌های نماید؟ با توجه به زمان بر بودن برخی از ابزارهای سیاست پولی، آیا بانک مرکزی می‌تواند هر زمان که بخواهد دست به تعییر نرخ ذخیره قانونی بزند؟

تبیین ماهیت فقهی سپرده‌های بانکی در بانکداری متعارف چند احتمال وجود دارد که در ذیل بدان اشاره می‌شود:

۱. سپرده‌های بانکی قرض هستند: (قانون التزامات و العقود المغربي، فصل ۸۶۱، ۲۱۸؛ لجنة الدائمة للبحوث العلمية والافتاء، المعاملات المصرفية، مجلة البحوث الإسلامية، العدد ۸،

۱۹۸۳: ۴۱؛ سالوس، وداع البنوك عقد قرض شرعا و قانونا، مجلة الاقتصاد الاسلامي، العدد ۱۶، ۱۹۸۳: ۱۱-۱۴). سپرده‌گذار وجوه را به عنوان قرض در بانک می‌گذارد، بانک نیز متعهد به برگرداندن کل یا بخشی از بدھی عندالمطالبہ می‌شود. مال قرض داده شده نیز به ملکیت قرض‌گیرنده درمی‌آید و قرض‌گیرنده متعهد به برگرداندن مثل یا قیمت مال می‌باشد و حتی با وجود عین مال، قرض‌گیرنده تعهدی به پرداخت عین مال ندارد. از ویژگی‌های سپرده‌های بانکی و قرارداد قرض درمی‌یابیم که ماهیت سپرده‌های بانکی همان ماهیت قرارداد قرض بوده و خصوصیات اصلی این دو قرارداد کاملاً بر هم منطبق هستند.

از آنجا که غالب فقهاء معاصر ماهیت سپرده بانکی در بانکداری متعارف را قرض می‌دانند، اگر شرط زیاده و بهره شود ربا و منوع خواهد بود (رساله‌های عملیه مراجع تقلید بخش معاملات بانکی، صدر، البنك الاربوي في الإسلام ۱۴۰۳: ۸۴).

**۲. سپرده‌ها ماهیت ودیعه را دارد:** بر اساس این احتمال، سپرده‌گذار پول خود را به عنوان «ودیعه» در بانک سپرده‌گذاری می‌کند تا در صورت نیاز، کل یا بخشی از آن را برگرداند (امام خمینی، تحریر الوسیله بی‌تا: ۱؛ محقق حلی، شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام ۱۴۰۸ق: ۲، ۱۲۹؛ امامی، حقوق مدنی ۱۳۴۰: ۱۶۶ و عبدالله‌ی، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، ۱۳۷۱: ۲۹۴).

تفاوت اساسی بین ویژگی‌های سپرده‌های بانکی و ودیعه وجود دارد. در سپرده‌های بانکی، وجوه سپرده‌گذاری شده به ملکیت بانک درآمده، از منابع بانک محسوب می‌شود و بانک هیچ تعهدی به برگرداندن عین اموال ندارد، بانک ضامن سپرده‌ها و متعهد به برگرداندن اموال سپرده‌گذاری شده تحت هر شرایطی به سپرده‌گذاران است.

از بیانات فوق چنین بر می‌آید که سپرده‌های بانکی نمی‌توانند ماهیت فقهی و حقوقی عقد ودیعه را داشته باشند. به نظر می‌رسد، این تشابه اسمی به اعتبار دوران اولیه صرافی‌ها و بانکداران باشد؛ زمانی که افراد برای حفظ پول‌های خود، آن‌ها را نزد صرافان مورد اعتماد ودیعه‌گذاری می‌کردند و هنگام نیاز آن‌ها را تحويل می‌گرفتند. اما با گسترش جوامع و تکامل معاملات بانکی و ابداع راه‌های به کارگیری سپرده‌ها، ماهیت حقوقی سپرده تحول یافت، هرچند اسم اولیه خود را حفظ کرد (عبدالله‌ی همان: ۲۹۵).

برخی از حقوق دانان، سپرده بانکی را ودیعه ناقص دانسته‌اند که در آن، ودیعه‌پذیر مالک مال به ودیعه گذاشته شده می‌شود و ملزم به بازگرداندن مثل آن است (امین، سپرده‌های نقدی و راههای استفاده از آن در اسلام: ۱۳۶۷: ۱۹۸).

در نقد این نظریه می‌توان گفت: اولاً، بانک مالک سپرده است هیچ الزامی به نگهداری مثل آن ندارد (فرزین‌وش و فراهانی‌فرد، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، شماره هفتم، پاییز ۱۳۸۱: ۳۳). ثانیاً، شرط ضمن قرارداد به نگهداری وجود باعث خروج از قرارداد قرض نمی‌شود (موسویان، فقه معاملات بانکی: ۶۱). ثالثاً، ویژگی‌های فوق از خصوصیات قرض بوده با صرف تغییر اسم نمی‌توان آن را قرارداد جدید تلقی کرد. بنابراین، سپرده بانکی ودیعه ناقص نیست و بر فرض که چنین باشد ودیعه ناقص چیزی جز قرض نخواهد بود.

**۳. سپرده‌ها به عنوان عاریه: سپرده‌گذار، پول خود را نزد بانک عاریه می‌دهد تا از منافعش استفاده کند و اصل آن را به او برگرداند (قانون التزامات و العقود المغربي، فصل ۲۱۲: ۷۸۳).**

تفاوت بین عاریه و سپرده بانکی به این است که در سپرده‌های بانکی، وجود سپرده‌گذاری شده به ملکیت بانک درآمده از منابع بانک محسوب می‌شود و بانک هیچ تعهدی به برگرداندن عین اموال ندارد، برخلاف عاریه که بانک حق تصرف و تلف را ندارد، هرگونه انتفاع منوط به بقای عین بوده و عاریه‌گیرنده ضامن برگرداندن اصل مال است (عبداللهی همان: ۲۹۵). در نتیجه سپرده‌های بانکی نمی‌توانند ماهیت فقهی و حقوقی عاریه را داشته باشند.

**۴. سپرده‌های بانکی اجاره‌اند: بدینصورت که سپرده‌گذار، پول خود را نزد بانک اجاره می‌دهد تا از آن استفاده کرده، بعد از مدتی علاوه بر برگرداندن اصل آن، مقداری هم به عنوان اجاره به او پرداخت شود (سالوس، حکم و دائع البنوك و شهادات الاستمار فی فقه الاسلامی: ۱۴۰۲: ۷). با دقت در مفهوم و ویژگی‌های اجاره ماهیت سپرده‌های بانکی روشن خواهد شد:**

اجاره عقدی است که به موجب آن، منفعت یک مال به دیگری منتقل می‌شود (بروجردی، مستند عروة الوثقی: ۹).

با مقایسه قراردادهای اجاره و سپرده‌گذاری تفاوت‌های آن‌ها آشکار خواهد شد. با

چشم‌پوشی از سایر تفاوت‌های این دو قرارداد، دو تفاوت اساسی بین آن‌ها وجود دارد:

۱. در اجاره، مال در ملکیت مالک اولیه خود باقی می‌ماند، ولی در سپرده‌گذاری ملکیت مال منتقل می‌شود و بانک حق هرگونه دخل و تصرفی در آن دارد.
۲. در اجاره، در صورتی که مستأجر در حفظ مال کوتاهی نکند ضامن عین مستأجره نخواهد بود، اما در سپرده به دنبال انتقال ملک، سپرده‌گیرنده، ضامن مثل آن است. بنابراین، سپرده‌گذاری نمی‌تواند ماهیت فقهی و حقوقی اجاره را داشته باشد و سپرده‌گذاری در قالب اجاره نمی‌گنجد. در تداول عامه نیز کسی نمی‌گوید می‌خواهم پولم را در بانک اجاره بدhem.

**۵. سپرده‌های بانکی قرارداد جدیدند:** عده‌ای نیز با فرق‌گذاشتن بین قرض و وام‌های بانکی، سپرده‌ها را از نوع وام بانکی، به عنوان عقد جدیدی در مقابل قرض قرار داده‌اند (سالوس، همان: ۷-۸؛ سنهروری، الوسيط في الشرح القانون المدني، ۱۹۵۲: ۴۲۸، ۵). برخی تفاوت‌های شکلی بین سپرده‌های بانکی و قرض و برخی مسائل حل نشده در این‌گونه قراردادهای بانکی، عده‌ای را بر آن داشته‌اند که راه حل را در قرارداد جدید بودن سپرده‌های بانکی با ویژگی‌های مخصوص به خود جست‌وجو کنند. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

۱. سپرده‌گذاران، قصد دادن قرض به بانک را ندارند.
۲. در قرض، ثروتمندان به نیازمندان قرض می‌دهند، برخلاف سپرده‌های بانکی.
۳. برخی قوانین حقوقی حاکم بر سپرده‌های بانکی نظیر جبران ضرر ناشی از تأخیر در پرداخت بانک، با احکام قرض تطابق ندارد (کاشانی، بررسی حقوقی، چهارچوب قانون عمليات بانکي بدون ربا، مجموعه مقالات هشتمين سمینار بانکداري اسلامي، ۱۳۷۶: ۱۰۰ - ۱۱۰؛ احمدی، مجموعه آثار کنگره بررسی مبانی فقهی امام خمینی رهنما: ۱۱).

در پاسخ باید گفت: اولاً، قاعدة فقهی «العقود تابعة للقتصود» ناظر به مفاد است نه الفاظ و عناوین. در قرارداد قرض نیز آنچه لازم است، قصد مفاد قرض، یعنی «تملیک مال به دیگری به قصد ضمان» خواهد بود (محقق، شرایع الاحکام ۱۴۰۸: ۲، ۶۷). سپرده‌گذار وجهه خود را به بانک تملیک می‌کند به این شرط که هر وقت خواست مثل آن را باز پس گیرد. بنابراین، سپرده‌گذار به طور دقیق مفاد قرارداد قرض را قصد کرده است، هرچند از واژه

وعنوان قرض غافل باشد.

ثانیاً، عقد قرض محدود به رفع نیاز طرف نیست. بنابراین، قرارداد قرض می‌تواند به انگیزه‌های مختلف صورت گیرد که قصد نیکوکاری یکی از آن‌هاست.

ثالثاً، قرارداد قرض قابلیت انواع شرط‌های ضمن قرارداد را دارد که قائل شدن شرایط در کیفیت پرداخت قرض و چگونگی به کارگیری مال قرض شده، از طرف قرض‌دهنده یا قرض‌گیرنده، ماهیت قرض را به هم نمی‌زنند.

بنابراین، انواع سپرده‌های بانکی در بانکداری متعارف، اعم از سپرده‌های جاری، پس‌انداز و مدت‌دار، همه ماهیت قرض دارند که با سپرده‌گذاری، سپرده‌ها به مالکیت بانک درمی‌آید و بانک حق هر نوع تصرفی در آن‌ها را دارد. با کمی دقت درمی‌یابیم که ماهیت سپرده قانونی با سپرده‌گذاری مردم نزد بانک‌های تجاری تفاوتی ندارد و بانک مرکزی مالک سپرده‌های قانونی شده، می‌تواند در صندوق ذخیره کند، یا به صورت وام در اختیار برخی بانک‌ها بگذارد و می‌تواند در عملیات تنزیل مجدد استفاده کند و اگر شرط زیاده (بهره) در آن‌ها شده باشد یا قرارداد بر اساس بهره و زیاده منعقد گردد، مصدق قرض با بهره بوده، از دیدگاه فقه اسلامی ربا و حرام است. در صورتی که بانک مرکزی در برابر سپرده‌ها سودی نپردازد، می‌تواند مصدق قرض بدون بهره باشد و مشکل شرعی ندارد. اما اگر به این سپرده‌ها سود پرداخته شود، می‌توان گفت بانک‌های خصوصی و بانک‌های دولتی از حیث حکم متمایزند. زیرا بانک خصوصی ماهیت مستقل از بانک مرکزی دارد و بانک خصوصی، مالک سپرده‌های مردم می‌شود. با سپردن آنچه در بانک خصوصی سرمایه‌گذاری می‌شود به بانک مرکزی، بانک مرکزی آن را مالک شده، سپرده‌ها مال بانک مرکزی محسوب می‌شود و بنابراین، پرداخت هر نوع زیاده و بهره، مصدق ربا و از نظر اسلام حرام محسوب می‌گردد.

حکم بانک‌های دولتی تا حدودی با بانک خصوصی متفاوت است، زیرا با سپرده‌گذاری، وجود سپرده‌گذاری شده به مالکیت بانک دولتی و در واقع دولت درمی‌آید و زمانی که بانک دولتی نزد بانک مرکزی که آن هم دولتی است سپرده‌گذاری می‌کند، به منزله آن است که فردی از یک فعالیت اقتصادی خودش به فعالیت دیگر ش پول قرض می‌دهد (با مسامحه) و برای این قرض از فعالیت دوم بهره‌ای دریافت می‌کند. روشن است که در

این صورت پرداخت زیاده از مصادیق قرض ربوی نخواهد بود و در واقع اصلاً قرض نخواهد بود، بلکه صرفاً انتقال دارایی از محلی به محلی دیگر و از فعالیتی به فعالیت دیگر است (فراهانی‌فرد، سیاست‌های اقتصادی در اسلام: ۲۶۷-۲۶۸).

اما با توجه به زمان بر بودن برخی از ابزارهای سیاست پولی، آیا بانک مرکزی می‌تواند طبق صلاح‌حید خود دست به تغییر نرخ ذخیره قانونی بزند؟ در پاسخ این سؤال می‌توان گفت بانک مرکزی به عنوان نماینده و عامل دولت حق نظارت و هدایت نظام بانکی را به عهده دارد. از این‌رو، الزام بانک‌های تجاری مبنی بر نگهداری سپرده قانونی و پیروی آن‌ها از نرخ‌های مصوب از سوی مراجع قانون‌گذار با پیشنهاد بانک مرکزی، پشتوانه قانونی پیدا می‌کند و در نتیجه هر بانک تجاری بر اساس قوانین بانکی کشور، مجوز فعالیت خود را از بانک مرکزی می‌گیرد و متعهد به نگهداری سپرده قانونی بر اساس نرخ‌های تعیین شده از سوی بانک مرکزی است (همان).

### ب. بررسی فقهی عملیات تنزیل مجدد

بانک‌های تجاری اسناد تجاری (چک، سفته، برات، اسناد در وجه حامل و هرگونه اوراق بهادر قابل انتقال) را که از مردم تنزیل می‌کنند، خود نیز اسناد را نزد بانک مرکزی تنزیل می‌کنند که به این عمل تنزیل مجدد می‌گویند. در بانکداری ربوی، تنزیل مجدد به دو شکل صورت می‌پذیرد.

نخست آنکه اسناد تنزیلی یک نوع پشتوانه برای بانک تجاری نزد بانک مرکزی به شمار می‌روند. بانک مرکزی بر اساس این پشتوانه (asnad تنزیلی) به بانک‌های تجاری وام با بهره می‌دهد. طبق این مبنای هر بانکی اسناد تنزیلی بیشتری در اختیار داشته باشد می‌توانند وام بیشتری از بانک مرکزی دریافت کنند. حکم فقهی این‌گونه معامله چیست؟ آیا مسلمان‌ها می‌توانند از این روش در بانکداری سود ببرند؟ روشن است که در این صورت ماهیت تنزیل مجدد، وام با بهره و ربات و اسناد تنزیلی پشتوانه وام ربوی بوده، در نتیجه این نوع از تنزیل مجدد از نظر امامیه جواز فقهی ندارد.

دوم آنکه بانک‌های تجاری خود به عنوان مالک و فروشنده اسنادند؛ همان‌طور که تاجر

اسناد تجاری را به بانک تجاری می‌فروشد، بانک‌های تجاری نیز اسناد تنزیلی را جمع‌آوری کرده، نزد بانک مرکزی تنزیل می‌کنند. بنابراین، بانک مرکزی مالک اسناد و بدھی مربوط به آن‌ها خواهد بود که ممکن است وصول آن‌ها را به عهده بانک تجاری بگذارد تا پس از وصول به حساب بانک مرکزی واریز نماید. این‌گونه معامله از دید فقهی چه حکمی دارد؟ آیا بانک‌ها می‌توانند دست به چنین اقدامی بزنند؟ با کمی تأمل می‌توان دریافت، این نوع عملیات تنزیل مجدد ماهیت خریدوفروش دین به شخص ثالث به کمتر از مبلغ اسمی پیدا می‌کند (موسویان، فقه معاملات بانکی: ۱۷۱) که مشهور فقهای امامیه آن را جایز می‌دانند (بنی‌هاشمی، توضیح المسائل مراجع ۱۳۷۹: ۲، بحث خریدوفروش اوراق بهادر توسط بانک‌های تجاری) هرچند حضرت امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای با آن مخالف هستند (مراجعة شود به بحث خریدوفروش اوراق بهادر توسط بانک‌های تجاری). این در صورتی است که اسناد تنزیلی، سفته و برات واقعی نشانگر بدھی واقعی باشند. در غیر این صورت، تنزیل مجدد اشکال خواهد داشت.

سؤالی که مطرح است این است تغییر نرخ تنزیل مجدد به چه منظور انجام می‌شود؟ چرا و به چه انگیزه‌ای بانک مرکزی اقدام به افزایش یا کاهش نرخ تنزیل مجدد می‌نماید؟ بدیهی است، اعمال چنین سیاستی برای کنترل نقدینگی و قدرت وام‌دهی بانک‌های تجاری است. بانک مرکزی برای کنترل حجم پول و هزینه آن اقدام به تغییر نرخ تنزیل می‌کند. برای مثال، اگر تا تاریخ مشخصی اسناد تجاری را با نرخ بیست و پنج درصد تنزیل می‌کرد، حال برای اعمال سیاست انساطی پولی آن را به ده درصد کاهش می‌دهد یا برای اعمال سیاست انقباضی آن را به بیست و پنج درصد افزایش می‌دهد (همان). از آنجا که با رضایت، آگاهی و اختیار طرفین، عملیات تنزیل صورت می‌پذیرد، تغییرات نرخ تنزیل از سوی بانک مرکزی با اشکال رو به رو نخواهد شد. تغییر نرخ‌های تنزیل مجدد می‌تواند به عنوان مقررات اعمال شود.

دانشمندان اهل سنت تنزیل مجدد را که ریشه در خریدوفروش اوراق بدھی دارد، به دو صورت تصویر نموده‌اند:

۱. تنزیل اسناد تجاری نزد بانک مديون به صاحب اسناد: در این صورت، بانک

سرمایه‌ای را دریافت می‌کند و در برابر آن اسناد تجاری مدت‌دار به سرمایه‌گذار واگذار می‌نماید. آیا صاحب سرمایه می‌تواند قبل از سرسید مبلغ مندرج در اسناد را نقد نماید؟ اکثر علمای اهل سنت قائل به حرمت تنزیل این اسناد شده‌اند، زیرا تنزیل اسناد تجاری سر از ربای نسیه‌ای حرام در می‌آورد و جایز نیست؛ (مجمع الفقهاء‌الاسلامی، دوره هفتم، شماره قرارداد ۲؛ زعتری، فقه المعاملات المالية المقارن، ۱۴۲۷: ۲۵۳)، اما می‌تواند در برابر نقد کردن آن‌ها، از دارنده سند کارمزد دریافت نماید (ارشید، الشامل فی معاملات و عمليات المصادر الاسلامیه ۱۴۲۱: ۱۶۵).

در جای دیگر، رأی علمای جامعه اسلامی به طور دسته‌جمعی در مورد خرید و فروش اسناد تجاری چنین بیان می‌شود:

۱. صدور، خرید و مبادله اسناد تجاری که حاکی از بدھی شرکت به فرد است و شرکت متناسب با مقدار پولی که به او قرض داده است سود دریافت می‌کند، حرام است، زیرا این اسناد ماهیت قرض ربوی را دارد و تفاوت اسمی هیچ تأثیری بر مشروعيت آن ندارد؛
۲. از آنجا که اسناد تجاری با کوپن صفر قرض ربوی محسوب می‌گردد، فروش آن به کمتر از ارزش اسمی آن که دارنده آن از تفاوت بین قیمت اسمی و تنزیل استفاده می‌نماید، حرام است؛

۳. اسناد با جایزه به دلیل قرض بودن آن چنانچه شرط فایده یا زیاده نسبت به تمام قرض دهنده‌ها یا برخی از آنان به صورت غیر مشخص شده باشد، به دلیل مجھول بودن معامله و نیز شبھه قمار حرام است (همان: ۲۲۲).

تنزیل در قالب صلح: برخی این عمل را منطبق بر قرارداد صلح دانسته، آن را یک نوع مصالحه بر حال نمودن دین می‌دانند بدین مفهوم که بدھکار و بستانکار هر دو توافق به اسقاط بخشی از دین می‌کنند به این شرط که مديون باقی را زودتر پرداخت نماید. این صورت نیز اختلافی است

الف. جواز معامله اسناد تجاری طبق قرارداد صلح، (طحاوی، شرح مشکل الآثار: ۱۴۱۵/۱۱). برای اثبات این صورت به روایتی که از پیامبر ﷺ نقل شده استدلال شده است. پس از دستور اخراج یهودیان بنی‌نصری، عده‌ای از آن‌ها نزد پیامبر ﷺ آمدند و عرض

کردند: یا رسول الله، شما دستور به اخراج ما دادید، در صورتی که مردم از ما بدهکارند که زمان وصولش فرا نرسیده است؛ پیامبر ﷺ فرمود: «ضعوا و تعجلوا» (بیهقی، السنن الکبیری ۱۴۱۳: ۶: ۲۸).

این روایت از نظر آن‌ها ظهور بر جواز مصالحه بر دین مؤجل دارد (ختلان، احکام الاوراق التجاریة فی الفقه الاسلامی ۱۳۲۵ق: ۲۳۷).

به این حدیث نمی‌شود استدلال کرد، زیرا:

اولاً، از نظر خود اهل سنت ضعیف است (همان).

ثانیاً، موضوع روایت تفاوت دارد که یهودیان در آن زمان محارب بودند حق برداشتن از اموال خود را نداشتند. دستور پیامبر ﷺ به مصالحه نوعی مماثلت با آن‌هاست نه اینکه دستور حقيقی اسلام چنین باشد.

روایت دیگری که به آن استدلال کرده‌اند عبارت است از: «سئل عن الرجل يكون له الحق الى اجل فيقول: عجل لى و اضع عنك، فقال لا بأس بذلك» (بیهقی، همان: ۶، ۲۸). از نظر علمای اهل سنت، بیان فوق برداشت خود ابن عباس از روایت قبل است نه روایت پیامبر ﷺ (ختلان، همان: ۲۳۹). بنابراین، نمی‌شود به آن بر جواز تنزیل استدلال نمود.

ب. عدم جواز معامله دین مدت‌دار. مشهور فقهای اهل سنت معتقد به عدم جواز معامله با اسناد تجاری با قرار صلح می‌باشند (قدوری، الكتاب: ۲/۲۶۶؛ موصلى، الاختيار لتعليق المختار ۱۳۹۵: ۹/۳؛ عینی، البنایة فی شرح الهدایة ۱۴۱۱: ۹/۳۳).

دلیل این قول، روایت مقداد بن اسود است که از شخصی مبلغ صد دینار پیش خریده که اسهمش در حج با پیامبر ﷺ درآید می‌گوید: «فقلت عجل لى تسعین ديناراً و احط عشرة دنانير فقال نعم، فذكر ذلك لرسول الله فقال: اكلت ربا يا مقداد و اطعمته» (بیهقی، همان: ۲۸).

این روایت نیز مورد اعتماد اهل سنت نیست (همان).

بنابراین، تنزیل مجدد اسناد تجاری در بانک مرکزی در مقابل کسری معین مطابق

قرارداد صلح جایز نیست.

۲. تنزیل اوراق تجاری نزد بانک غیربدهکار به دارنده اسناد: تنزیل اسناد تجاری به بانک غیربدهکار به این سندها چند صورت قابل تصور است.

الف. تنزیل اسناد تجاری از طریق **جعله**: دارنده اسناد تجاری، بانک را وکیل بر تنزیل اسناد تجاری قبل از سررسید آن در مقابل مبلغ اسمی اسناد نماید، به این صورت که بانک به میزان مبلغ اسمی اوراق تجاری به دارنده آن قرض دهد و در سررسید دین، بانک اسناد را برای دارنده آن نقد نموده، و آن را به جای دین خود استیفا می‌کند. البته این عمل بانک در برابر دریافت جعلی است که از دارنده اسناد می‌گیرد (طیار، البنوك الاسلامية بين النظرية والتطبيق: ۱۴۰).

اما با دقت بر این عمل بانک و مفهوم جعله می‌توان دریافت که بین حقیقت جعله و عمل تنزیل بانک تفاوت بسیاری است، زیرا حقیقت جعله التزام به عوض مشخص بر کار معین یا غیر معین است که از شرایط آن نامشخص بودن آن می‌باشد (کاسانی، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع ۱۴۱۷: ۶/۲۰۳).

ب. تنزیل اسناد در قالب **حواله**: تنزیل اسناد تجاری حواله‌ای است از طرف دارنده این اسناد در برابر اعطای کارمزد، به بانک به حساب حواله‌دهنده آن (مدیون).

ولی باید توجه کرد که طبق این قرارداد، دارنده اسناد، اسناد تجاری را نزد بانک برد، با پشت‌نویسی مبلغ آن را از بانک دریافت می‌نماید و در واقع صاحب اسناد مبلغ اسمی آن را از بانک، بدهکار می‌شود و این به منزله قرض از بانک بوده، دریافت زاید بر مبلغ اسمی اسناد، از زمان قیمت سند تا موعد سررسید، ربا محسوب می‌گردد و مشکل دارد (ختلان، همان: ۶۱ و ۲۵۱).

ج. تنزیل از طریق **الحاق اسناد به وکالت**: بدین معنا که دارنده اوراق بانک را وکیل در تنزیل اسناد تجاری در برابر کارمزد نماید. بنابراین، ممکن است تنزیل از طریق وکالت مشکل شرعی نداشته باشد و مبلغی که در برابر تنزیل دریافت می‌شود صرف هزینه قرض، انتقال و ارسال اخطاریه می‌گردد.

مشکل این بیان این است که اولاً، با پشت‌نویسی اسناد تجاری ملکیت آن به بانک

تنزیل کننده منتقل می‌شود و این پوشت‌نویسی نقل ملکیت است نه توکیل، با اینکه بانک تجاری ممکن است این اسناد را نزد بانک مرکزی یا بانک دیگر تنزیل نماید. بنابراین، تصحیح طبق توکیل درست نیست.

ثانیاً، با پذیرش توکیل در برابر دریافت مژد، مشکل جمع بین تبع و معاوضه پیش می‌آید، زیرا قرض از قراردادهای رایگان و توکیل نوعی معاوضه محسوب می‌گردد، در حالی که جمع بین دو عقد تبع و معاوضه صحیح نیست.

د. تنزیل از طریق الحقاق به بیع: این کار بر بیع دین به کمتر از مبلغ اسمی آن مبتنی است. یعنی دارنده اوراق تجاری، از بانک درخواست تنزیل قبل از سرسید آن می‌نماید و آن را به قیمت کمتر از ارزش اسمی آن می‌فروشد و به موجب این قرارداد، بانک مالک اسناد شده، در سرسید بدھکار استیفا می‌نماید.

طرفداران این نظریه بیع دین را جایز می‌دانند به این شرط که طلا و نقره نباشد (قلعه‌جی، مباحث فی الاقتصاد الإسلامي من اصوله الفقهية، ۱۴۱۲: ۱۴۸-۱۴۹).

از بیان فوق چنین اصطیاد می‌شود که با دقت و تأمل در می‌یابیم، تنزیل سند بدھی از دو صورت خارج نیست:

۱. اینکه وام‌دهنده دین مدت‌دار را به قیمت کمتر از مبلغ واقعی اش می‌فروشد. این نوع معامله به خاطر ربوی بودن جائز نیست.

۲. اینکه بانک مبلغ کمتر از ارزش سند، به وام‌گیرنده وام می‌دهد و صاحب سند، بانک را به سند و مقدار بیشتر از آن حواله می‌دهد و هنگام سرسید، بانک مقدار سند را که برابر با اصل وامی که به وام‌گیرنده داده است استیفا نموده، زیاده را هم از وی می‌گیرد که این زیاده ربا و حرام است.

### ج. ماهیت فقهی عملیات بازار باز

گاهی بانک مرکزی به منظور اعمال سیاست اقتصادی، اقدام به خرید و فروش اوراق قرضه دولتی می‌کند. بانک مرکزی با در پیش گرفتن سیاست انساطی پولی، دست به خرید اوراق قرضه دولتی از مردم و بانک‌های تجاری می‌زند و پول در جامعه تزریق می‌نماید. چنانچه

هدف جمع‌آوری پول بانک‌ها و جامعه باشد، سیاست انقباضی پولی، اعمال می‌گردد و این سیاست بانک مرکزی با فروش اوراق قرضه دولتی به مردم و بانک‌های تجاری صورت می‌پذیرد. به دلیل برگشت ماهیت اوراق قرضه به اعطای قرض با بهره و ربا (دیدگاه فقهی مراجع درباره تنزیل در بحث عملیات تنزیل در بانک‌های تجاری) هر معامله مترتب بر آن‌ها، معامله مترتب بر رباست. بنابراین، عملیات بازار باز، از دیدگاه فقهی عملیات مترتب بر قرض با بهره بوده، ربا و حرام است. البته برخی از محققان صور مختلفی برای خرید و فروش اوراق قرضه در بازار اولیه و ثانویه و اینکه خریدار اولیه یا ثانویه بانک‌های دولتی یا بانک‌های خصوصی و مردم باشند، تصویر کرده‌اند و احتمالاتی از جهت فقهی داده‌اند (همان). اما ثابت شد که اوراق قرضه ماهیت قرض ربوی دارند و هر نوع معامله مترتب بر آن‌ها معامله مترتب بر قرض با بهره است که از نظر شرعی ربا و حرام است.

دانشمندان اهل سنت، ابزار عملیات بازار باز را به دلیل مسلم بودن ابتدای آن بر ربا و سود ثابت در بانکداری مورد بحث قرار نداده‌اند و لذا از پرداختن به مباحث فرعی آن نیز خودداری نموده‌اند و به کارگیری آن را در معاملات بانکی و غیر بانکی جایز ندانسته‌اند. در برخی موارد که ناگزیر از بیان آن شده‌اند تنها به این مقدار بسنده شده که معامله با اوراق قرضه جایز نیست.

زحلیلی و قره‌داعی از محدود کسانی‌اند که به اختصار در حد یک یادآوری به این ابزار اشاره کرده‌اند. زحلیلی در این باره می‌نویسد: اوراق قرضه، اوراقی و استنادی دال بر بدھی مدت‌دار شرکت از فرد می‌باشد که در بازار قابل خرید و فروش است و از راه پذیره‌نویسی عمومی انجام می‌شود. بنابراین، این اوراق سند و گواهی بدھی شرکت نسبت به دارنده اوراق قرضه است و معامله با آن حرام است، زیرا دارنده اوراق از سود ثابت بهره‌مند - شرکت سود کند یا زیان نماید- شده است (زحلیلی، همان: ۱۳۲).

در جای دیگر نیز استناد تجاری را سند بدھی قلمداد کرده که شرکت‌ها جهت تأمین نیاز نقدینگی، برای خرید کالاهای جدید و بستن قراردادها و ... صادر و به سرمایه‌گذاران در برابر سود معین، با تضمین اصل سرمایه واگذار می‌کنند و این اوراق در بازار نیز قابل مبادله می‌باشد (همان: ۲۲۴).

قابل یادآوری است که خود اندیشه سیاست عملیات بازار باز از نظر بانکداری بدون ربا مشکلی ندارد، بلکه مشکل در عناصر به کار رفته در آن است. بنابراین، اقتصاد اسلامی از ابزار سیاست بازار باز به عنوان ابزار مدیریت و کنترل تقدینگی استقبال می‌کند، در صورتی که در آن اوراق مالی مخالف با احکام شرع نباشد و معاملات مطابق قوانین اسلامی انجام پذیرد.

باید توجه داشت که کلیه مشکلات ابزار عملیات بازار باز با تمام انواع آن به حرمت اوراق قرضه در بانکداری متعارف به این بر می‌گردد که در معاملاتشان ضوابط شرعی رعایت نمی‌شود. به علاوه، سرعت گردش اوراق مالی اسلامی، بیشتر از اوراق مالی به کار گرفته شده در بانکداری متعارف است. چون در بانکداری متعارف اوراق قرضه جایگزین قرض با بهره شده است، در حالی که در بازار اقتصاد اسلامی، اوراق مشارکت در انواع گوناگونی نظیر اوراق اجاره، مشارکت، مضاربه، مساقات، مزارعه و... قابل طرح است و هیچ‌گونه تضادی با حکم شرع ندارد (قردادگی، بحوث المدخل الى الاقتصاد الاسلامي ۱۴۳۱: ۵۱۷/۳).

### نتیجه

اعمال سیاست پولی با استفاده از ابزارهای آن از مهم‌ترین اقداماتی است که بانک مرکزی به منظورهای متفاوتی همچون ثبت سطح عمومی قیمت‌ها، ایجاد رشد اقتصادی و اشتغال، حفظ ارزش پول ملی و برقراری تعادل تراز پرداخت‌ها دنبال می‌کند. اما آیا بانک مرکزی شرعاً می‌تواند چنین اختیاری داشته باشد؟

بانک مرکزی و نهادهای ذی‌ربط، به عنوان نماینده دولت، با تصویب قوانین، می‌تواند بر فعالیت‌های بانک تجاری، مؤسسه‌های مالی اعتباری و سایر مؤسسه‌های پولی اعتباری حق کنترل و هدایت داشته باشند.

در مورد ابزارهای سیاست پولی، در بانک‌های تجاری دولتی به عنوان سازمان دولتی سپرده‌های مردم ماهیت قرض دارد که با سپرده‌گذاری، سپرده‌ها به مالکیت بانک مرکزی در می‌آید؛ بانک مرکزی حق هر نوع تصرفی در آن‌ها را دارد. اگر به این سپرده‌ها سود پرداخته شود، حکم بانک‌های خصوصی و بانک‌های دولتی از هم متمایزند، زیرا بانک خصوصی ماهیت مستقل از بانک مرکزی دارد. لذا پرداخت هر نوع بهره، مصدق ربا بوده، از نظر

اسلام حرام محسوب می‌گردد. در بانک‌های دولتی صرفاً انتقال دارایی از محلی به محلی دیگر و از فعالیتی به فعالیت دیگر است که گرفتن زیاده مشکلی ندارد.

همچنین بانک مرکزی به عنوان نماینده و عامل دولت، حق نظارت و کنترل نظام بانکی را به عهده دارد. از این‌رو، الزام بانک‌های تجاری مبنی بر نگهداری سپرده قانونی و پیروی آن‌ها از نرخ‌های مصوب از سوی مراجعت قانون‌گذار با پیشنهاد بانک مرکزی پشتوانه قانونی و مشروعيت پیدا می‌کند.

عملیات تنزیل نیز با رضایت، آگاهی و اختیار طرفین صورت می‌پذیرد و تغییرات نرخ تنزیل از سوی بانک مرکزی با اشکال روبرو نخواهد شد.

گاهی بانک مرکزی به منظور اعمال سیاست پولی، اقدام به خرید و فروش اوراق قرضه دولتی می‌کند که به دلیل برگشت ماهیت اوراق قرضه به قرض با بهره هر معامله مترتب بر آن‌ها معامله مترتب بر ربا و حرام خواهد بود.

برای کنترل کیفی به قصد هدایت منابع بانک‌ها به سمت بخش‌ها و فعالیت‌های دارای اولویت، گاهی بانک مرکزی نرخ‌های ترجیحی برای آن‌ها تعیین می‌کند و گاهی سهمیه اعتباری خاصی برای آن‌ها به بانک‌های تجاری تکلیف می‌کند. اگر بانک‌های تجاری دولتی باشند، تعیین چنین ضوابط کنترلی و الزام بانک‌ها به اجرای آن از طرف بانک مرکزی به عنوان نماینده دولت از نظر فقهی و قانونی قابل توجیه است. اما در بانک‌های تجاری خصوصی، چنین تصمیماتی مشروعيت خود را از قانون بانکداری می‌گیرد. در صورتی که اگر ماده‌ای در قانون بانکداری گنجانده شود، هر بانک خصوصی یا دولتی، ملتزم به رعایت قوانین خواهد بود و مشکل نخواهد داشت.

## کتابنامه

- ارشید، محمود عبدالکریم احمد، الشامل فی معاملات و عمليات المصادر الاسلامية، اردن، دارالنفائس، الاولى، ۱۴۲۱.
- امام خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، قم، اسماعیلیان، بی‌تا.
- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، تهران، کتابفروشی اسلامی، سوم، ۱۳۷۴.
- امین، حسن عبدالله، سپرده‌های نقدی و راههای استفاده از آن در اسلام، ترجمه محمد رخشند، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷.
- آریا، کیومرث، سیاست پولی و ارزی اولویت‌ها و گرایش‌ها، تهران، کویر، دوم، نی، ۱۳۸۶.
- بروجردی، مرتضی، مستند عروة الوثقی، قم، العلمیه، بی‌تا.
- بنی‌هاشمی، سید محمد‌حسن، توضیح المسائل مراجع، قم، دفتر انتشارات اسلامی، پنجم، ۱۳۷۹.
- بیهقی، ابی‌بکر احمد بن الحسین بن علی، السنن الکبری، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۳.
- تضلیلی، فریدون، اقتصاد کلان: نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصادی، نی، پانزدهم، تهران، بی‌تا.
- توپونجیان، ایرج، اقتصاد پول و بانکداری، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، تهران، خورشید، اول، ۱۳۷۵.
- خیلان، سعد بن تركی بن محمد، احکام الاوراق التجارية فی الفقه الاسلامی، دارالجوز، الاولى، ۱۳۲۵.
- دادگر، یدالله و تیمور، رحمانی، مبانی و اصول علم اقتصادی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، هشتم، ۱۳۸۶.
- دیدگاه فقهی مراجع درباره تنزیل دربحث عمليات تنزیل در بانک‌های تجاری.
- دیوید بک و دیگران، علم اقتصاد کلان، ترجمه محمد‌حسین تیزهوش، تهران، جنگل، اول، ۱۳۸۵.
- رزین‌وش، اسدالله و فراهانی‌فرد، سعید، ذخیره قانونی بر سپرده‌های بانکی، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، سال دوم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۸۱.

- رفیع خان، شاهرخ، **تحلیل اقتصادی از یک الگوی مشارکت در سود و زیان**، به نقل از کتاب **مطالعات نظری در بانکداری بدون ربا**.
- زحلیلی، وهبة، **المعاملات الماليّة المعاصرة**، دمشق، دارالفکر، السابعة، ۱۴۳۰ق.
- سالوس، علی احمد، **حكم الودائع البنوك و شهادات الاستثمار في الفقه الإسلامي**، دارالثقافة، الاولى، الدوحة، ۱۹۹۰.
- **ودائع البنوك عقد قرض شرعاً و قانوناً**، مجلة الاقتصاد الإسلامي، العدد ۱۶، ۱۹۸۳.
- سرخسی، محمد بن أحمد بن أبي سهل، **المبسوط**، بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۴۱۴ق.
- سنہوری، عبدالرازاق، **الوسیط فی الشرح القانون المدنی**، دار احیاء العربی، بيروت، ۱۹۵۲.
- سیواسی، کمال الدین محمد بن عبدالواحد، **فتح القدير**، دارالفکر، بیتا.
- صدر، محمدباقر، **البنک الاربیوی فی الاسلام**، بيروت، دارالتعاریف للمطبوعات، هشتم، ۱۴۰۳ق.
- طحاوی، أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة، **شرح مشکل الآثار**، بیجا، مؤسسه الرسالة، الاولی، ۱۴۱۵ق.
- طیار، عبدالله، **البنوك الاسلامية بين النظرية و التطبيق**، الزلقی، ۱۴۰۱ق.
- عبداللهی، محمود، **مبانی فقهی اقتصاد اسلامی**، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۱.
- عینی، محمود، **البنایة فی شرح الهدایة**، بيروت، دارالفکر، الثانية، ۱۴۱۱ق.
- فرهانی‌فرد، سعید، **سیاست‌های اقتصادی در اسلام**، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۱.
- **سیاست‌های پولی در بانکداری بدون ربا**، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، اول، ۱۳۷۸.
- قانون التزامات و العقود المغربي، فصل ۸۶۱. به نقل از **البنوك الإسلامية**.
- قدوری، احمد بن محمد، **الكتاب**، بيروت، دارالعربی، بیتا.
- قرار مجتمع الفقه الإسلامي الدولي، رقم ۶/۱۱/۶۲.
- قرداغی، محی الدین، **بحوث المدخل الى الاقتصاد الإسلامي**، دمشق، دارالبشاائر الاسلامية، الاولی، ۱۴۳۱ق.

- قلعه‌جی، محمد رواس، *مباحث فی الاقتصاد الاسلامی من اصوله الفقهیه*، بيروت، دارالنفائس، الاولی، ۱۴۱۲ق.
- کاسانی، علاءالدین، *بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع*، بيروت، مؤسسة تاريخ العربی، ۱۴۱۷ق.
- کمیجانی، اکبر، *سیاست‌های مناسب در جهت تثبیت فعالیت‌های اقتصادی*، تهران، وزارت امور اقتصادی و دارایی، اول، ۱۳۷۷.
- کاشانی، محمود، *بررسی حقوقی، چهارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا*، مجموعه مقالات هشتمین سمینار بانکداری اسلامی، تهران، ۱۳۷۶.
- گلریز و ماجدی، پول و بانک از نظریه تا سیاست‌گذاری. مؤسسه‌های بانکداری ایران، ۱۳۶۷.
- لجنة الدائمة للبحوث العلمية والافتاء، *المعاملات المصرفية*، مجلة البحث الإسلامي، العدد ۸، ۱۹۸۳.
- مجتهد، احمد و حسن‌زاده، علی، پول و بانکداری و نهادهای مالی، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
- مجمع الفقه الاسلامی، دوره هفتم، شماره فرداد ۲؛ زعتری، علاء الدين، *فقه المعاملات المالية المقارن*، دمشق، دار العصماء، الاولی، ۱۴۲۷ق.
- محقق حلّی، نجم‌الدین جعفر بن حسن، *شرائع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام*، قم، مؤسسه اسماعیلیان، الثانية، ۱۴۰۸ق.
- موسویان، عباس، *بانکداری اسلامی*، تهران، پژوهشکده پولی و اقتصادی، پنجم، ۱۳۸۶.
- ، *مبانی اقتصادی اسلام*، قم، دارالثقلین، سوم، ۱۳۸۰.
- موصلی، عبدالله بن محمد، *الاختیار لتعلیل المختار*، بيروت، دارالمعرفة، الطبعة الثالثة، ۱۳۹۵ق.